

دورنما

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده



نشست کویت بیش از همیشه اختلافات را نمایان کرد

## رمق‌های آخر شورای همکاری

درد

سی و هشتمین نشست شورای همکاری خلیج فارس در سطح سران سه‌شنبه گذشته پنجم دسامبر به میزبانی کویت پر گراز شد اما آنچه اتفاق افتاد هیچ شباهتی به نشست‌های گذشته نداشت.
شخص صباح الاحمد الجابر الصباح، امیر کویت، به عنوان میزبان نشست وظیفه خود می‌دانست که به استقبال هیئت‌های پنج کشور دیگر برود اما به نظر، هیئت‌های چهار کشور در سطحی پایین‌تر به کویت رفتند.
نمی‌توان گفت که شیخ صباح انتظار این نتزل قابل توجه سطح را نداشت چراکه او در سفر ماه اکتبر به عربستان نتوانسته بود رضایت ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه آل سعود، و بر ای آمدن به این نشست به دست بیاورد و حتی استقبال امیر ریاض از او در بدو ورودش به عربستان تغییر به عنوان بی‌میلی سعودی‌ها نسبت به درخواستش شد.
بعد از آن بود که حرف‌و حدیث‌های زیادی در مورد اصل برگزاری نشست منتشره شد و حتی از تعویق شش ماهه نشست گفته شد اما شیخ صباح تمام تلاش خود را کرد چرا که به قول روزنامه رأی‌انیمو «مایل نداشت مسئولیت فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس به گردن وی بیفتد و بنابراین توپ را به میدان دیگران انداخت».
شاید این آخرین تلاش امیر کویت برای بقای شورای همکاری باشد اما باید گفت توپ شورا در میدان دیگران خوب نمی‌چرخد و دیگر رمقی برای همکاری در این شورا باقی نمانده‌است.

شکاف عمیق

بحران شش‌ماهه در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به طور کامل بر این نشست سایه انداخته بود تا به جای سران، وزرای خارجه عربستان و امارات و معاونان وزرای خارجه عمان و بحرین به این نشست وارد شوند.
همین به باعث شد تا برنامه دو روزه نشست به یک روز آن هم در حد ۹۰ دقیقه تقلیل یابد و در آخر هم بی‌پایانی‌های صادر

رویکرد

روح‌الله صالحی

با کشته شدن علی عبدالله صالح در یمن، آخرین تیر امارات و عربستان سعودی برای رسیدن به موفقیت در جنگ یمن، به سنگ خورده و جنبش انصارالله باخشی کردن طرح کودتا و توطئه خارجی چشم‌پوشه را کوو کرد.

عربستان سعودی و شیوخ امارات زمانی که عملیات «توفان قاطعیت» را علیه یمن محسوساتر زدند، تصورشان این بود که یمن و جنبش انصارالله، لقمه راحتی برای بلعیدن هستند و با این ادعا که در مدت ۱۰ روز می‌توانند انصارالله را نابود کرده و صنعا را اشغال کنند، وارد باتلاق یمن شدند اما گذشت ۳۳ماه از این جنگ فزاینده، هم‌پیشروی دستانورددی در عرصه میدانی نداشته‌اند.

عربستان به رغم پشتیبانی آمریکا و انگلیس و با وجود حملات هوایی گسترده علیه نیرونظامیان یمن و محاصر دریاپی این کشور در این جنگ شکست خورده‌است. این کشور نه تنها نتوانست در سرزمین‌های هم‌پیشروی داشته باشد بلکه این نیروهای یمنی بودند که در خاک عربستان پیشروی کرده و شهرهای مرزی و پایگاه‌های نظامی سعودی در نجران و جیزان را به کنترل خود درآوردند.
عربستان و امارات برای خاتم شدن جاز نیز بار هزینه‌های جنگ یمن کسب و پیروزی در چشم خودساخته، دست به قمار بزرگی در یمن زدند تا شاید با ایجاد اختلاف بین گروه‌های یمنی و ایجاد جنگ داخلی بتوانند پیروزی خود را محقق کنند اما این فتنه نیز کارساز نشد و انصارالله بار دیگر توطئه متجاوزان را خنثی کرد و ضربه دیگری به سعودی‌ها و امارات تحت امرشان وارد کرد.

صالح، مهره سوخته

مقامات ریاضی و ابوظبلی برای اینکه بتوانند انصارالله را به زانو درآورند، در ماه‌های اخیر دست به دامن علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور سابق یمن، شدند تا با کمک نیروهای او، کنترل صنعا را در اختیار بگیرند. این توطئه چند ماه پیش با درگیری موقتی بین نیروهای حزب کنگره مردمی به رهبری صالح و انصارالله شروع شد و در نهایت نیروهای انصارالله با درایت و هشیاری کامل این طرح را ناکام گذاشتند.
اما سعودی و امارات دست از دسیسه‌چینی برداشتند و هفته گذشته بار دیگر برنامه شکست‌خورده خود را مورد آزمون قرار دادند و با کوک کردن عبدالله صالح و نیروهای او، توانستند بخش‌هایی از پایتخت یمن را کنترل کنند. اما این توطئه نیز در مدت ۲۴ ساعت در نطفه خفه شد و با این بار هم نیروهای انصارالله که از مدت‌ها پیش از همکاری صالح با عربستان و امارات اطلاع داشتند، توانستند کنترل صنعا را به‌دست بگیرند. نتیجه این درگیری‌ها بر خلاف انتظار سعودی و امارات بود و با کشته شدن علی عبدالله صالح آخرین قمار متجاوزان برای موفقیت در میدان یمن نیز با شکست روبه‌رو شد. برخی رسانه‌های عربی گزارش داده‌اند که فتنه صالح در صنعا یک طرح برنامه‌ریزی شده‌از سوی امارات و سعودی بود و متجاوزان وعده داده بودند در صورت

## جهان

سراسر بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴

اوج‌گیری جمال عبدالناصر در جهان عرب بود. شیوخ خلیج فارس به خصوص سعودی‌ها که نمی‌توانستند ستاره اقبال عبدالناصر را تحمل کنند، رفته رفته به فکر تشکیل اتحادی بین خود بودند و تلاش آنها در نهایت با هفدهمین کنفرانس سران اعراب در امان، پایتخت اردن، به سال ۱۹۸۰ نتیجه داد که اساس تشکیل نهاد امنیتی- دفاعی به نام شورای همکاری خلیج فارس در آن کنفرانس گذاشته‌شد. یک سال بعد، امندو چارچوب همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی بین شش کشور در این نشست مورد بحث قرار گرفت. بنابر این، اصل شورای همکاری خلیج فارس بر مبنای رقابت با مصر و قدرت آن در جهان عرب پایه‌گذاری شد و حالا به نظر می‌رسد رقابت بین اعضای شورای همکاری باعث شده تا بار دیگر نهادهی تازه به وجود بیاید. تأکید شیخ خلیفه بر فعالیت کمیته در همه زمینه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و… در ماده نخست فرمایش به خوبی نشان می‌دهد که فعالیت این کمیته هیچ محدودیتی ندارد و هر دو کشور حاضر شده‌اند اتحادیه‌ای را بین خود ایجاد کنند تا هر گونه فعالیتی را پوشش بدهد.
حالا این پرسش به وجود آمده که شورای همکاری خلیج فارس با وجود این کمیته و چنین زمینه گسترده‌ای از فعالیت خود چه دلیلی برای بقای خود می‌تواند داشته باشد چراکه دو عضو ثروتمند آن با تشکیل این کمیته راه خود را به طور مشخص جدا کرده‌اند.

شکاف‌های بیشتر

شکی نیست که سعودی‌ها و اماراتی‌ها با تشکیل این کمیته پیام روشنی را به نشست سران شورای همکاری خلیج فارس رسانده‌اند با این مضمون که بعد از این نبرازی به این شورا ندارند. با توجه به تبعیت بدون چون و چرای بحرین از سعودی‌ها، باید انتظار داشت که بحرین آماده ورود به این کمیته و عضویت در آن باشد و تنها منتظر صدور اجازه این کار از سوی سعودی‌هاست. بنابر این، سه کشور از شش کشور شورا در این کمیته اتحادیه جدیدی را تشکیل می‌دهند اما معلوم نیست که سه کشور دیگر در مقابل آن چه خواهند کرد.
عمان تا پیش از این نشان داده که نمی‌خواهد خود را تبدیل به مهرهای در دست سعودی‌ها کند و به همین جهت هم حاضر به امضای سندی برای تشکیل اتحادیه عربی نشد با وجود اینکه ملک عبدالله، پادشاه سابق سعودی، در نشست ۲۰۱۱ سران شورای همکاری تلاش زیادی برای تبدیل این شورا را به یک اتحادیه عربی کرد. از سوی دیگر، نیامدن پادشاه سعودی با دست کم ولیعهد او به کویت به اندازه کافی شیخ صباح را از زرده خاطر کرده که به این زودی‌ها روی خوش به کمیته مشترک اماراتی‌ها و سعودی‌ها نشان ندهد جدا از اینکه اختلاف نظر کویت با سعودی‌ها بر سر میدان نفتی الخفجی و میدان گازی المانه صدره جدیدی برای پیوستن کویت به این کمیته‌است. در این میان قطر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در برابر کمیته مشترک سعودی- اماراتی بازی کند به این معنا که نقطه انصالی بین کویت و عمان برای تشکیل اتحادیه‌ای مقابل این کمیته شود.
عدم اختلاف رسمی بین این سه کشور و وجود منافع سابق سعودی، در نشست این اتحادیه از انگیزه‌های قابل توجهی است که شیخ تمیم می‌تواند از آنها استفاده کند تا کویت و عمان را به همراهی با خود ترغیب کند. در هر صورت، سسی و هشتمین نشست شورای همکاری عربی با تأیید این معانول نخست‌وزیر امارات، شورا چنان که جابر الحرمی، سر دبیر روزنامه قطری الشرق، نوشت: «ناچیز در کویت رخ داد و واقعیت را بر همه ما روشن کرد. شورای همکاری دوران مرگ بالینی خود را می‌گذراند، در حالی که مملع عمر آن به پایان رسیده» اما واقعیتی است که سیاست‌های عربستان بر خلیج فارس تحمیل کرده و ملت‌های ما توان آن را نخواهند داد.»

## بحران شش ماهه در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به طور کامل بر این نشست سایه انداخته بود تا به جای سران، وزرای خارجه عربستان و امارات و معاونان وزرای خارجه عمان و بحرین به این نشست وارد شوند

حرف از آشتی بزند. در مقابل، خبرهایی از امارات به گوش رسید که نشان می‌داد نشست کویت تنها اقدام نمایشی بدون هیچ آشتی و همکاری بین اعضای آن است.
■ **سازمان موازی**
کوتاه‌ترین نشست سران شورای همکاری خلیج فارس بدون برگزاری جلسه پایانی در حالی بود که عبدالله بن زاید آل نهایان، وزیر خارجه امارات، ساعاتی قبل از این نشست فرمان امیر امارات را قرائت کرده بود. شیخ خلیفه بن زاید آل نهایان، امیر امارات، فرمان تشکیل کمیته همکاری مشترک بین امارات با عربستان به ریاست محمد بن زاید آل نهایان، ولی عهد احترام به شیخ صباح بود که از حضور قبلی خود کوتاه آمده بود. شیخ صباح که از ابتدای بحران در ماه ژوئن گذشته سعی کرده بود نقش میانجی را به عهده بگیرد و در نهایت، می‌خواست در این نشست آخرین تلاش خود را بکند تا نوعی آشتی را بین قطر و عربستان به عنوان دو طرف مقدمه‌ات بحران ایجاد کند اما آمدن نمایندگان در سطح پایین و بدون اختیرات کافی این زمینه را برای او فراهم نکرد تا حتی

حرف از آشتی بزند. در مقابل، خبرهایی از امارات به گوش رسید که نشان می‌داد نشست کویت تنها اقدام نمایشی بدون هیچ آشتی و همکاری بین اعضای آن است.
■ **سازمان موازی**
کوتاه‌ترین نشست سران شورای همکاری خلیج فارس بدون برگزاری جلسه پایانی در حالی بود که عبدالله بن زاید آل نهایان، وزیر خارجه امارات، ساعاتی قبل از این نشست فرمان امیر امارات را قرائت کرده بود. شیخ خلیفه بن زاید آل نهایان، امیر امارات، فرمان تشکیل کمیته همکاری مشترک بین امارات با عربستان به ریاست محمد بن زاید آل نهایان، ولی عهد احترام به شیخ صباح بود که از حضور قبلی خود کوتاه آمده بود. شیخ صباح که از ابتدای بحران در ماه ژوئن گذشته سعی کرده بود نقش میانجی را به عهده بگیرد و در نهایت، می‌خواست در این نشست آخرین تلاش خود را بکند تا نوعی آشتی را بین قطر و عربستان به عنوان دو طرف مقدمه‌ات بحران ایجاد کند اما آمدن نمایندگان در سطح پایین و بدون اختیرات کافی این زمینه را برای او فراهم نکرد تا حتی

### آخرین تیر سعودی-ابوظبلی به سنگ صنعا



موفقیت نیروهای صالح، فرزندش احمد صالح را که در امارات به

سرمی‌برد به قدرت برسانند و برای موفقیت این طرح میلیون‌ها دلار هزینه کرده بودند اما آگاهی انصارالله و مقاله‌ها با این پروژه مقامات ریاض و ابوظبلی را در رسیدن به اهدافشان ناکام گذاشت تا این دو کشور همچنان در سوگ بیروز شدن بر انصارالله به عزا بنشینند. مرگ عبدالله صالح سیلی بزرگی به ائتلاف عربی به ویژه امارات بود و به طرح تبدیل صنعا به میدان نبرد میان گروه‌های یمنی پایان داد. مرگ صالح نشان داد عناصر و دست‌بروردگان رژیم سعودی هیچ جایگاهی در بین مردم یمن ندارند و همچنین این مسئله نشان داد به رغم ادعای مقامات سعودی، انصارالله هستند قدرت اول یمن بوده و پس از گذشت سه سال از جنگ، دست بالا را در صحنه تحولات میدانی دارد. عربستان و ائتلاف عربی داشتند اما محاصر دریاپی و تحمیل قطعی و گرسنگی بر مردم یمن، انصارالله را وادار به تسلیم نمایند اما چون نتوانستند موفقیتی در این زمینه کسب کنند به سراغ ایجاد فتنه در کویت رفتند اما این توطئه نه تنها شکلی در بین یمنی‌ها ایجاد نکرد بلکه به اتحاد بیشتر آنها نیز منجر شد.

■ **موازنه موشکی انصارالله**

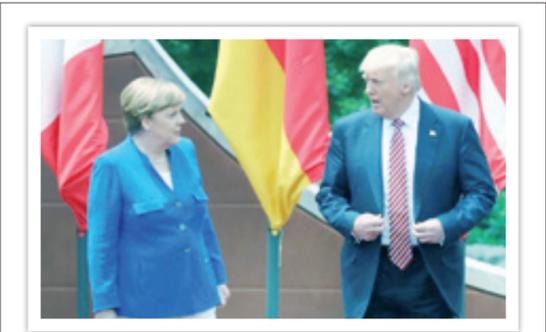
ائتلاف عربی در سه سال گذشته با حملات گسترده به شهرهای یمن، بیشتر مراکز نظامی و زیرساخت‌های این کشور را نابود کرد تا توانایی انصارالله را تضعیف کند اما این حملات نتیجه عکس داد و یمنی‌ها به رغم شدیدترین محاصره اقتصادی، در عرصه موشکی موفقیت‌های زیادی کسب کرده‌اند. شلیک موشک بااستیک‌به فرودگاه ملک خالد در ریاض و متعاقب آن شلیک موشک کرورز به تأسیسات آتمی «پراگ» در ابوظبلی چنان فافلگیر کننده بود که برقی از چشمان مقامات سعودی و امارات برید. ساخت و شلیک این موشک‌ها نشان از پیشرفت یمنی‌ها در تولید موشک‌های دوربرد است که توانایی رخنه در سیستم‌های دفاعی متجاوزان را دارد.
مقامات عربستان که از رسیدن موشک‌های انصارالله به ریاض دچار ترس و وحشت شده بودند، تصمیم گرفتند همه رابارها را برای پان ددن به جنگ بیازمایند و ایجاد فتنه در صنعا برای مقابله بااین تולان موشکی بود. ناکامی سیستم دفاع موشکی عربستان در مهار شلیک یمنی‌ها، زنگ خطری برای ائتلاف عربی است و با توجه به اینکه انصارالله وعده داده پایتخت تمام کشورهای

عضو ائتلاف را با موشک هدف قرار خواهد داد، مقامات این کشورها از هم‌اکنون در ترس و وحشت به‌سر می‌برند. حملات موشکی به ریاض و ابوظبلی، نشان دهنده توانمندی مقاومت یمن در معادله جنگ است و حاکی از آن است که نیروهای یمنی به میزبانی از توانمندی رسیده‌اند که متجاوزان را به در مقابل هزینه‌ای که مردم یمن تحمیل کرده‌اند، بازنده برداخت کنند. به باور ناظران، توسعه موشک‌های انصارالله، حاوی این پیام است که راهبرد انقلابیون یمن در مرحله جدید مقاومت، ضمن گشایش جبهه به عمق دشمن، افزایش هزینه‌های اقتصادی متجاوزان نیز شده تا با توجه به شرایط سخت اقتصادی و کسری شدید بودجه ناشی از تحمیل جنگ به یمن و نیز حمایت مالی و اقتصادی از تورریست‌ها در سورهه عراق و لبنان، دشمن را وادار به توقف تجاوز سازند.
هنگامی که موشک یمنی‌ها به فرودگاه شاه خالد اصابت کرد، شیوخ عربی بهت‌زده شدند چگونه یمنی‌ها که در بدترین شرایط تولید کنند که صدها کیلومتر آن طرف‌تر به هدف برخورد می‌کنند. سعودی‌ها جریبی به‌این‌بار از پیش تشدید خواهد شد و به راه انداختند و سعی کردند با بزرگ‌گمبایی این ادعا که این موشک ساخت ایران است، چنین وانمود کنند که یمن توان تولید سلاح را ندارد و از جایی دیگر فرمان می‌گیرد. اما اصابت موشک کرورز به ابوظبلی معادلات را برهم زد و نشان داد که یمنی‌ها دست و پا بسته نبوده و قابلیت‌های زیادی در عرصه ساخت موشک‌های دوربرد دارند. به گفته برخی ناظران، با توجه به شکست همه‌سئار یوهای عربستان در یمن، اختلافات و در بین اعضای ائتلاف عربی بیش از پیش تشدید خواهد شد و محمد بن سلمان، ولیعهد جوان سعودی به خاطر وارد شدن به جنگ از پیش پایتخت تحت فشار قرار خواهد گرفت چراکه تنها خروجی این جنگ خامن‌سوز، تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور برای کشورهای عربی بوده‌است.

■ **ازبایلی**

مرگ عبدالله صالح و درایت انصارالله در برابر توطئه‌های داخلی و خارجی فصل جدیدی را در جنگ علیه یمن رقم زد. با کنترل صنعا به دست انصارالله و جلوگیری از درگیری‌های داخلی، جایگاه انصارالله در بین مردم بیش از پیش تقویت خواهد شد و در مقابل، ائتلاف سعودی در موضع ضعیف‌تری قرار خواهد داشت چراکه عربستان و امارات با سرنگونی آخرین بمرگ برنده خود در یمن، با محدودیت بیشتری برای انتخاب و عملی کردن راهکار علیه شلیک ملت یمن مواجه خواهند شد و توسعه موشک‌های دوربرد یمن، سردمداران سعودی و ابوظبلی را به بازنگری در سیاست‌های جنگ‌طلبانه خود وادار خواهد کرد.

|| شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۶ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ |



### برلین در مسیر واگرایی از واشنگتن

رویکرد

دکتر سیدرضا میرطاهر

روابط آلمان و آمریکا از هنگام روی کار آمدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در ژانویه ۲۰۱۷ دستخوش تحولات و نوسانات زیادی بوده‌است. هر چند انگلار مرکل صدر اعظم آلمان همواره تلاش کرده تا مانع افزایش تنش‌ها بین دو کشور شود، اما موضع‌گیری‌ها و اقدامات ترامپ باعث شده نتها وی به انتقاد از رویکرد خودمحرانه آمریکا بپردازد، بلکه برخی از اعضای دولت ائتلافی وی نیز انتقادات شدیدی علیه رویکرد و اقدامات ترامپ مطرح کنند. از جمله زیگمار گابریل وزیر خارجه آلمان که از حزب سوسیال‌دموکرات است در ۱۴ آذر در سخنانی تأکید کرد آلمان باید در تنظیم اتخاذ سیاست خارجی خود اعتماد به نفس بیشتری داشته باشد و سیاست خارجی را مطابق با منافع خود و نه منافع آمریکا تنظیم کند. به گفته گابریل، آلمان نمی‌تواند منتظر تصمیمات واشنگتن باشد و تنها به این تصمیمات واکنش نشان دهد، بلکه باید مواضع خود را با قاطعیت اعلام کند. وزیر خارجه آلمان در عین حال بر نکته حساسی بین‌المللی نهاد و تأکید کرد این دیدگاه سنتی درباره آمریکا که دارای یک نقش محافظتی است، شروع به فروپاشی کرده‌است. گابریل افزود: آلمان باید به سرمایه‌گذاری در مشارکت و همکاری با آمریکا به عنوان یک شریک تجاری ادامه دهد ولی در عین حال باید در نشان دادن منافع خود زمانی که دو کشور دچار اختلاف نظر می‌شوند، قاطع‌تر بوده و با اعتماد به نفس بیشتری عمل کند.

■ **اختلافات فزاینده**

از زمان به قدرت رسیدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری بوپولیست و جنجالی آمریکا، روابط برلین و واشنگتن با تنش‌های زیادی روبه‌رو شده‌است. این تنش‌ها البته به اختلاف‌نظر‌های کلی دو سوی اقیانوس اطلس بر سر مسائل مختلفی مربوط است. موضع‌گیری‌ها و سخنان ترامپ، بارها موجب رنجش و انتقاد اروپایی‌ها شده‌است. فرانسس پرین کارشناس مؤسسه امور بین‌المللی و استراتژیک پاریس معتقد است کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید اختلافات خود را در برابر آمریکا کنار بگذارند. این اختلافات ابعاد و جنبه‌های مختلفی مانند اختلافات امنیتی، تجاری و اقتصادی، آب و هوایی و نیز دیدگاه‌های مختلف درباره مسائل بین‌المللی مانند برجام و تحران شبه‌جزیره کره را شامل می‌شود. ترامپ خواهان افزایش بودجه نظامی اعضای اروپایی ناتو از جمله آلمان است. به رغم قبول افزایش بودجه دفاعی آلمان، اما مقامات ارشد آلمانی از نگاه تنگ‌نظرانه ترامپ به مقوله امنیت گله دارند. یکی دیگر از موارد عمده اختلاف، دیدگاه کاملاً متفاوت ترامپ به مقوله تجارت و اقتصاد است که آشکارا رویکردی حمایت‌گرانه از اقتصاد آمریکا در پیش گرفته‌است، در حالی که با توجه به اقتصاد صادرات‌محور آلمان، این رویکرد ترامپ موجب زیان‌های مالی زیادی برای شرکت‌های آلمانی فعال در عرصه اقتصادی آمریکا می‌شود. همچنین اصزار واشنگتن بر تحریم‌های جدید علیه روسیه در چارچوب قانون کاتسا کاملاً به ضرر کشورهای مهم اتحادیه اروپا به ویژه آلمان در بخش انرژی خواهد بود. «گرنوت ارلر»، هماهنگ‌کننده امور روسیه در دولت آلمان، ضمن هشدار درباره پیامدهای گسترده تحریم‌های جدید آمریکا علیه روسیه برای تأمین انرژی اروپا، این انتقاد را به آمریکا وارد کرد که صادرات منابع انرژی خود را در اولویت قرار داده تا در ایالات متحده جایگاه‌های شغلی خلق کند. از سوی دیگر در حالی که آلمان به عنوان یکی از اعضای گروه ۵+۱ خواهان تادوم اجرای برجام است و بایبندی ایران به برجام را تأیید می‌کند، اما ترامپ مخالف این موضوع بوده و با متهم کردن ایران به نقض برجام، تصمیم‌گیری درباره موضع آمریکا در قبال برجام را به کنگره سپرده‌است. همچنین آلمان همگام با اتحادیه اروپا خواهان پیشبرد راه حلی سیاسی برای حل و فصل بحران شبه جزیره کره و مسئله از مایش‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی است، در حالی که ترامپ آشکارا بر طبل جنگ با کره شمالی می‌کوبد و حتی آن تهدید می‌کند، اما برای متحده کشته‌های کرده‌است. رئیس‌جمهوری آمریکا با خارج کردن این کشور از پیمان آب و هوایی پاریس موجب نگرانی شدید شرکای اروپایی خود شده و انتقاد شدید برلین را برانگیخته‌است. نکته مهم اینکه از دیدگاه وزیر امور خارجه آلمان، عقب‌نشینی آمریکا از نقش بین‌المللی‌اش تنها به خاطر یک رئیس‌جمهور نیست، بلکه این یک تحول بنیادی است که پس از انتخابات‌های آینده نیز تغییر نخواهد کرد. به عبارت دیگر آلمانی‌ها معتقدند باید از این پس با امریکایی متفاوت برخورد داشته باشند که تا حد زیادی نقش حمایتی خود را کنار گذاشته و در چارچوب رویکرد سیاست خارجی ترامپ که می‌توان آن را واشنگتن خواهان آن است که هزینه هر اقدامی را که برای متحدان خود صورت می‌دهد از جانب آنها پرداخت شود و در عین حال آنها نقش اصلی را در تأمین امنیت خود بر عهده گرفته و مخارج مشارکت آمریکا در این زمینه را نیز پرداخت کنند. بدین ترتیب می‌توان پیش‌بینی کرد که روابط دو سنسوی اقیانوس اطلس به سوی واگرایی هر چه بیشتر حرکت کرده و به ویژه آلمانی‌ها بر اتخاذ رویکردی منافع‌محور تأکید خواهند کرد.
کما اینکه تازه‌ترین نظرسنجی بنیاد کوربر نشان می‌دهد آلمان‌ها بر این باورند که دونالد ترامپ چالشی به مراتب بزرگ‌تر برای سیاست خارجی آلمان در مقایسه با هبرئان کره شمالی، روسیه یا ترکیه‌است.

■ **انتقاد مرکل**

انگلار مرکل صدراعظم آلمان نیز ضمن انتقاد از سیاست‌های ترامپ به وی هشدار داده که سیاست‌های وی به منزوی شدن و نه افزایش قدرت آمریکا منتهی خواهد شد. صدراعظم آلمان، در عین حال ترامپ را به انزواطلبی متهم کرده و تأکید کرد تفکر ترامپ مبنی بر فسرار دادن آمریکا در اولویت نخست، این خطر را به‌وجود می‌آورد که اهمیت و قدرت نفوذ آمریکا در عرصه جهانی کاهش یابد. از دیدگاه مرکل، امریکایی‌ها به‌علاوه این که فتنه و ابهمیتی به دیگر مناطق نمی‌دهد، هیچ بختی برای بزرگ و ابرقدرت شدن ندارد. به گفته «لماری سبسل ناو» محقق فرانسوی، سیاست‌های ترامپ که قصد پایان دادن به جهان چندقطبی را دارد، بر تحکم، بلوف و زد و بند مبتنی بوده و ویژه شخص اوست. دیدگاه مرکل در تضاد کامل با رویکرد ترامپ قرار دارد، زیرا رئیس‌جمهوری آمریکا عقیده دارد سیاست‌های یک‌جانبه‌گرانه ایانه و خودمحرانه واشنگتن به افزایش قدرت و غلبه این کشور بر رقیبانش منجر خواهد شد. با این حال رویکرد ترامپ در زمینه اصالت دادن صرف به آمریکا و منافع آن، باعث افزایش یک‌جانبه‌گرایی واشنگتن و نیز اتخاذ مواضعی بر خلاف اجماع جامعه جهانی شده‌است. به گفته روح‌الله سوری، کارشناس روابط بین‌الملل، نادیده‌انگاشته شدن منافع جهانی از سوی آمریکا، شرایط را برای شکل‌گیری یک نظام چندقطبی بیش از پیش مهیا خواهد کرد. البته اختلافات نظرات مرکل و ترامپ مسائل مختلفی را از اختلاف بر سر توافقنامه تغییرات آب و هوایی پاریس تا رویکرد‌های متفاوت در قبال تجارت جهانی و نیز ابتداء ناتو را دربر می‌گیرد. ضمن اینکه تحریم‌های اخیر آمریکا علیه روسیه که منافع اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان را در بخش انرژی در معرض مخاطره قرار داده نگرانی مقامات ارشد آلمانی از جمله مرکل را برانگیخته‌است.
ترامپ، در می ۲۰۱۷ با اعلان جنگ علیه صنعت خودروسازی آلمان، وعده کاهش صادرات خودرو‌های آلمانی به آمریکا را داد. رئیس‌جمهوری آمریکا آلمانی‌ها را مردمانی بسیار بد خواند. ترامپ ضمن اشاره به فروش میلیون‌ها خودرو در آمریکا از سوی شرکت‌های آلمانی، وعده پایان دادن به این وضعیت را مطرح کرده بود. پیش‌تر در اوایل امسال، ترامپ پیشنهاد اعمال مالیات ۳۵ درصدی بر خودرو‌های وارداتی از جمله خودروهای شرکت آلمانی BMW که در مکزیک ساخته شده‌و وارد آمریکا می‌شوند را ارائه کرده بود که واکنش شدید دولت آلمان را در پی داشت. در عین حال اکنون یکی از اختلافات برلین و واشنگتن، مسئله تشدید فشار‌ها برای افزایش هزینه‌های نظامی آلمان است که هر چند مرکل تحت فشار ترامپ وادار به پذیرش آن شده، اما مارتین شولتس رهبر حزب سوسیال‌دموکرات و شریک احتمالی مرکل برای تشکیل دولت ائتلافی جدید آلمان صراحتاً با آن مخالفت کرده و حتی وعده خروج تسلیحات هسته‌ای آمریکا از آلمان را داده‌است.

■ **جمع‌بندی**

انتقادات شدید مقامات ارشد آلمانی از ترامپ، نشانه واگرایی فزاینده در روابط دو کشور و در واقع روابط دو سوی اقیانوس اطلس است. می‌توان پیش‌بینی کرد با بافشاری ترامپ بر مواضع و اقدامات خود و بی‌اعتنایی به مخالفت‌های جهانی از جمله مخالفت اروپایی‌ها با آنها، روند واگرایی بین دو سوی اقیانوس اطلس از جمله بین برلین و واشنگتن تسریع شود. از نگاه آلمان، سیاست‌های دونالد ترامپ به منزوی شدن هر چه بیشتر آمریکا در سطح جهانی و نیز افزایش قدرت آمریکا منتهی خواهد شد.